

خبرایات

مسافر دردمند فصل پاییزی



جواد طوسی

● یکی از آخرین بازماندگان نسلی آرم‌نخواه با دردی جانکاه از میان ما رفت. همایون خسروی‌دهکردی به‌عنوان مدیرمسئول و صاحب امتیاز نشریه «سینما و ادبیات» یک حضور بی‌وقفه و پرتلاش ۱۶ساله در حوزه مطبوعات و رسانه داشت. او با خلوص نیت و عشقی زایدالوصف خودش و سرمایه‌اش را وقف انتشار این مجله کرده بود و با همه فشار اقتصادی سال‌های اخیر بر مطبوعات مستقل و بی‌پشتوانه، دوام آورد و تحت هیچ شرایطی حاضر نشد از اصول و خطمشی خود و همکاران و یارانش عدول کند و با افت کیفی مجله و کاهش صفحاتش کنار بیاید. نشریه «سینما و ادبیات» در عمر پربارش یک الگوی چشمگیر و قابل استناد در زمینه کیفی مطالب و پرونده‌های موضوعی و شاخه‌های تخصصی این دو حوزه بود که رفته‌رفته مجموعه‌ای از مخاطبین جدی عرصه فرهنگ و هنر و ادبیات را از نسل جوان تربیت کرد و در کنارش پل ارتباطی سازنده‌ای با دیگر نسل‌های دغدغه‌مند و صاحب دیدگاه ایجاد کرد. نشست‌ها و میزگردهای تخصصی ادبی و سینمایی این نشریه جدا از قابلیت‌های استادی‌شان برای تبدیل‌شدن به یک منبع پروریمان طبقه‌بندی شده، فرصتی تاریخی را در جهت بیان دیدگاه‌ها و نحله‌های فکری و نظری گوناگون و انتقال تجارب و نیز آسیب‌شناسی بحران‌ها و عوامل بازدارنده و خطوط انحرافی در حیطه فرهنگ و هنر فراهم کرده است. بدون تردید در شکل‌یابی چنین فضای بالنده و روشنگرانه‌ای همایون دهکردی و سردبیر باذوق و خوش‌فکر و پیگیرش نیلوفر نیاورانی و دیگر افرادی که در حکم اتاق فکر این نشریه بوده‌اند، نقشی مؤثر و تعیین‌کننده داشتند. این حضور پایمردانه و مستمر را در شرایطی شاهد بودیم که شماری از نشریات تخصصی با متر و معیارهای مشخص‌شان یک‌به‌یک تعطیل یا بی‌انگیزه شدند و به ناگزیر تن به کاهش صفحات و نادریده‌گرفتن وجوه کیفی داده‌اند. نکته قابل ذکر دیگر که ویژگی ستودنی شخصیت دوست و همکار گران‌قدرم همایون دهکردی را بیشتر نشان می‌دهد، تلاش صادقانه و بی‌هیاهوی او برای راه‌انداختن یک باتوق فرهنگی در نمایش تعدادی از آثار شاخص کلاسیک و مدرن سینمای جهان به بهانه اختصاص یکی از پرونده‌های هر شماره به فیلم‌سازی معتبر و صاحب سبک بود که در شب‌های جمعه این گردهمایی شکل می‌گرفت.

در کنار این حضور سازنده فرهنگی، همایون انسانی رؤف و عدالتخواه بود و بارها به چشم خود دیدم که تا آنجا که می‌توانست بدون تظاهر و ریا برای این‌وآن و فلان منتقد قدیمی‌که وضعیت معیشتی روبه‌راهی نداشت، قدم خیر برمی‌داشت و هزارگانه نیز در برگزاری هرچه بهتر جشن انجمن منتقدان واسطه می‌شد و حتی گاهی اوقات به دوستان و همکاران دیگرش در حوزه تخصصی اصلی‌اش (رشته برق) متوسل می‌شد تا آبروداری کند. این خضایل جوانمردانه و حس انسان‌دوستانه در کنار آن فرهیختگی نابی و ریشه‌دار، به همایون عزیز در این روزگار بی‌ترحم که همه به فکر خودشان هستند، شمایی استثنائی داده که حضور جاری و افراشته‌اش را در جمع دوستان و همکارانش و دیگر اهالی فرهنگ و رسانه به اثبات می‌رساند. امید که با رفتن اندوهبار او خللی در تداوم حیات این پایگاه هویتمند و ارزشمند او ایجاد نشود. یادش زنده و گرامی.

خبر

معرفی اعضای هیئت انتخاب جشنواره فیلم فجر

● **گروه هنر:** اعضای هیئت انتخاب سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر با ادامه رکورداری حسین کرمی در این هیئت، از سوی ابراهیم داروغه‌زاده، دبیر سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر معرفی شدند.

ابراهیم داروغه‌زاده، در حکمی محمد احسانی (عضو شورای پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی و مدیر شبکه‌های تماشاً، نمایش و نسیم) و حسین کرمی (عضو شورای پروانه ساخت و نمایش فیلم‌های سینمایی و قائم‌مقام معاونت سینما) از اعضای تقریباً ثابت سال‌های اخیر این هیئت، به‌همراه محمود اربابی (فیلم‌نامه‌نویس، رئیس هیئت‌مدیره خانه سینما)، یلدا جبلی (فیلم‌نامه‌نویس، تدوینگر و کارگردان سینما)، سیدمحمود رضوی (تهیه‌کننده سینما و عضو شورای صنفی نمایش) و رضا درستگار (منتقد، نویسنده کتاب‌های سینمایی و مستندساز) را به‌عنوان اعضای هیئت انتخاب سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر معرفی کرد.



فرانک آرتا

ظاهرا اختصاص یافتن سالی‌نه به سینمای رسانه‌ها در جشنواره فیلم فجر هرساله به معضلی حل‌نشدنی تبدیل شده است!
گاه اعتراضات و بحث‌ها آن‌قدر بالا می‌گیرد‌که کار از مذاکره و چانه‌زنی به درگیری لفظی و نامه‌پراکنی کشیده می‌شود و گاه هم اهالی واقعی رسانه، عطای سالن را به لقایش می‌بخشند و در یکی از سالن‌های بی‌حاشیه به نظاره فیلم‌های جشنواره فیلم فجر می‌نشینند!
چند سالی هم است که سالن‌های پردیس‌های سینمایی چارسو، ملت و برج میلاد گزینه‌های روی میز هستند و از سال گذشته هم سالن «ایران مال» به این فهرست اضافه شده است؛ اما

جشنواره تنها جذب مخاطب را در نظر نگیرد



گروه هنر: آرش اسحاقی معتقد است اگر از اعضای صنوف در هیئت‌های انتخاب بهره گرفته نشود، قطعا فیلم‌هایی که انتخاب می‌شوند کیفیت بهتری دارند. آرش اسحاقی، مستندساز و نماینده صف کارگردانان در شورای سیاست‌گذاری سیزدهمین دوره جشنواره سینما حقیقت، درباره حضور خود در این شورا به «شرق» گفت: «تصمیم‌گیری‌ها در کشور ما معمولا از بالا به پایین است و مدیران تصمیم‌گیرنده هستند، اما حضور اصناف و شکل‌گیری انجمن‌های صنفی نه فقط در حوزه شورای سیاست‌گذاری که در حوزه کلان سینما باعث شده تا تصمیم‌گیرندگان همه اعضای صنوف باشند و در واقع تصمیم‌گیری از پایین به بالا اتفاق بیفتد.» او توضیح داد: «به نظر من مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی یکی از نهادهای مهم در حوزه مستند و جشنواره سینما حقیقت، مهم‌ترین جشنواره مستند ایران و یکی از مهم‌ترین‌های آسیا است. خوشبختانه فرصتی فراهم شد تا در این جشنواره شاهد بازتاب اعضای صنوف باشند. انجمن‌ها شویم. از آنجاکه دو صنف مهم تهیه‌کنندگان و کارگردانان در تصمیم‌گیری‌ها دخیل‌اند، نظرات و خواست نزدیک به ۶۰۰ عضو سینمایی مستند در شورای سیاست‌گذاری منتقل می‌شود.» اسحاقی نیز با اشاره به تشکیل شورای سیاست‌گذاری اظهار کرد: «تشکیل شورای سیاست‌گذاری مثبت است. البته هنگامی که شورای سیاست‌گذاری تشکیل شد، جشنواره سیزدهم فراخوان داده و بسیاری از تصمیم‌ها نیز گرفته شده بود. با این حال، امیدواریم پس از جشنواره اسامال به خواسته‌هایی که در جلسات اسمال مطرح شد، جامه عمل بپوشانیم.» این صادربدار سینمای ایران در ادامه درباره نقش اصناف در اعتلای سینمای مستند تصریح کرد: «صنف گلوگاهی دارد که بهترین‌های سینمای مستند که فیلم‌هایشان استاندارد لازم را دارند، عضو آن می‌شوند. وقتی صنف سیاست‌ها و خواسته‌هایش را در قالب همین شورا منتقل می‌کند، در بالا رفتن کیفیت فیلم‌ها و انتخاب بهترین‌های آنها برای جشنواره سینماحقیقت نیز تأثیر می‌گذارد. بنابراین اگر از اعضای صنوف در هیئت‌های انتخاب بهره گرفته نشود، قطعا فیلم‌هایی که انتخاب می‌شوند کیفیت بهتری دارند. شکل دیگر این اتفاق که امیدوارم در سال آینده عملی

هنر

ظاهرا «پردیس ملت» مناسب‌تر است!

واقعیت این است؛ تا زمانی که مکانی مناسب، ثابت، اختصاصی و منطبق بر استانداردهای سینمایی در اختیار این جشنواره مهم سینمای ایران قرار ندهند، چنین مشکلی حل نخواهد شد! هرچند به نظر می‌رسد عملی‌شدن این نکته با توجه به وضعیت تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی فعلی کشور در آینده‌ای نزدیک چندان مقدور نیست؛ با این نگاه وضعیت سالن‌های موجود را باید بررسی کرد تا بدانیم کدام‌یک از این چهار گزینه منطبق بر اقتضای عقلی و با کاستی‌های کمتری خواهد بود. اگر به مکان «ایران مال» نظری بیندازیم، فاصله آن به داخل شهر تهران آن‌قدر دور است که با توجه به بالا رفتن قیمت بنزین و مشکلات رفت‌وآمد – گاهی نمایش فیلم‌ها با پاسی از شب طول می‌کشد – از همان ابتدا از فهرست خارج می‌شود. پردیس چارسو هم با توجه به حجم بالای متقاضیان حضور در سالن رسانه‌ها، سالن‌های کوچک و صندلی‌های محدودی دارد؛ هرچند که جای‌گیری آن در مرکز شهر مناسب به نظر می‌رسد. پردیس ملت هم سالن‌های سینمای مجهز

و صندلی‌های مکفی دارد؛ اما معضل پارکینگ و قطعی مکرر نکتی از مشکلات این مکان است؛ ضمناً اینکه از معضل ترافیک در ساعات نمایش فیلم هم نمی‌توان چشم‌پوشی کرد؛ اما برج میلاد به دلیل بزرگی فضا شاید مناسب به نظر برسد؛ اما رفت‌وآمد افراد غیرسازنه‌ای، حضور بستگان مدیران و کارکنان برج که هیچ ربطی به فضای جشنواره ندارند و فقط به دلیل حضور هنرمندان تمایل دارند در مدت ۱۰ روز در کنار آنها باشند و عکس یادگاری بگیرند، در طول سال‌ها برج میلاد را به فضای تحمل‌ناپذیری تبدیل کرده که در ایام جشنواره بیشتر به نظر می‌رسد که جشنواره به بازاری تبدیل شده تا این رویداد فرهنگی را نمایندگی کند. ضمناً ظاهرا داشتن وسیله نقلیه از ضروریات حضور در این برج است؛ چون به دلیل فضای بیرونی برج برای هرکسی مقدور نیست که به‌راحتی به آن رفت‌وآمد کند؛ هرچند بحث درباره ایس فضا می‌تواند به درازا بکشد؛ اما با وضعیت موجود به نظر می‌رسد پردیس ملت برای دیدن فیلم مناسب‌تر باشد.

روایتی معناگرا از کهکشان اَبرانسان



گروه هنر: این روزها به‌دلیل اثر اینستالیشن، پرفورمنس و عکس و چیدمان روی آینه مهدی منصوری، هر شب ساعت هفت عصر چراغ‌های «گالری گلستان» برای نیم ساعت خاموش می‌شود. «ابر انسان» عنوان تازه‌ترین مجموعه آثار مهدی منصوری، عکاس شناخته‌شده است. او در سال‌های اخیر از رسانه عکس برای خلق مدیوم‌های تازه بهره می‌برد و با تجربه‌گرایی آثاری را می‌آفریند که سخت بتوان آنها را در دسته‌بندی‌های هنری جای داد. از همین رو مجموعه «مادام باتر فلاي» او که سه سال پیش در همین گالری به تماشا گذاشته شد، از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان سبک منحصربه‌فرد ثبت شد. اثر منصوری در تجربه تازه اینستالیشنی در ویتزین گالری گلستان چیدمان شده و هر شب ساعت هفت چراغ‌های گالری گلستان به مدت نیم ساعت خاموش می‌شود تا اثر که روایتی معناگرا از کهکشان ابرانسان است، به چرخش درآید. آنچه بود و رود توجه مخاطبان را جلب می‌کند حضور شخصیت‌های شناخته‌شده در عکس و چیدمان‌های این هنرمند جوان است؛ لیلی گلستان، علیرضا سمیع‌آذر، التاز شاکر‌دوست، پویا آریانپور، صنم حقیقی و حوری قوییی... البته فیکور این شخصیت‌ها چنان در فرم آثار غرق است که مخاطب برای یافتن هر یک باید در هر اثر سبوی وزارت فرهنگ و مهدی منصوری در بخش‌هایی از بیانه نمایشگاه ابرانسان نوشته است: «سال ۲۰۲۱ لئو در مقام یک شمن ظاهر می‌شود... اتفاق‌های عجیب‌و‌غریب و دو بار تجربه نزدیک به مرگ، او را به این مرحله از زندگی‌اش رسانده است. او تبدیل به ابرانسانی شده که زن زن است و نه مرد، نه حیوان است و نه انسان‌والی، ولی عین حال از تمام توانایی‌های آنها برخوردار است. پیشرفت علم پزشکی و تکنولوژی او را به موجودی نامیرا تبدیل کرده که توانایی‌های خارق‌العاده‌ای دارد. اما همچنان عواطف و احساساتش همچون تأثیر سیارات بر زمین بر قلب او حاکم هستند و هر لحظه با انعکاسی تازه نقشی جدید خلق می‌کنند. او تخلیه‌گر حسودات روزنامه‌ها که تنها حاذقیت خبری دارند و نه جذایت هنری، امیدوارم سینماحقیقت به این سمت‌وسو نرود و تنها رویکرد جذب مخاطب را در نظر نگیرد.»

او در تکمیل این مفهوم اظهار می‌کند: «ابرانسان را

3۴ دایر است.

مواجه نیل با فرزندانش قبل از عملیات آپولو ۱۱ است که با عکس‌العمل منطقی و چالش‌برانگیز جنت همراه است. کسانکسی که مانند شام آخرو دادگاهی تشریفاتی برگزار می‌شود و زندگی خانوادگی ترازیک‌ی را به نمایش می‌گذارد که مدام با مسئله فقدان درگیر است. در پایان نیز با وجود موفقیت حیرت‌آور نیل و ورودش به کره ماه به‌عنوان اولین فرد زمینی زنده، جنت با لبخندی کم‌رنگ و ساخگی تخلیه‌گرستوده‌ای در برابر فضا و سفرهای اکتشافاتی ناسا ساخته می‌شود، با پایانی غرورآمیز و وطن‌پرستانه در وصف افتخارات ایالات متحده آمریکا همراه نیست. پایان فیلم، پایانی صادق و صمیمی است و تنها متعلق به دنیای درونی زخم‌خورده و ملو از عشق پاک و بی‌شائبه پدری است به فرزند ازدست‌رفته‌اش. خلائی که بی‌واسطه هجوم می‌آورد و درون نخستین را به سردی و سکوت سوق می‌دهد. فیلم نخستین انسان به برخلاف فیلم‌هایی که در رسای قهرمانانی ساخته می‌شوند که در خانواده‌ای گرم و با حمایت‌های درونی زن خانواده به‌منابه همسری فداکار و مطیع مواجهند، فیلمی است که سیمای ساختار شکنانه مؤنث‌محوری را به نمایش می‌گذارد. همسر نیل با بازی قدرتمند (کلیر فوی) زنی خاکستری و معمولی است که طالب یک زندگی عادی باثبات است. زنی که با وجود عشق درونی‌اش، هرچه می‌کند نمی‌تواند با زندگی غیرعادی و مخاطره‌آمیز همسرش کنار بیاید و او را همراهی کند و ارتباطی چالش‌برانگیز با وی دارد. یکی از سکاس‌های به‌ایام‌ماندنی فیلم، سکاس

زیر درختان زیتون

حضور شاهد عینی دهه ۶۰ در پشت صحنه «لباس شخصی»



● **گروه هنر:** محمد عطریانفر، فعال سیاسی و عضو حزب ساززندگی، در پشت صحنه فیلم سیاسی «لباس شخصی» با موضوع فعالیت حزب توده در ایران حضور یافت.

این فعال سیاسی به دعوت تهیه‌کننده و کارگردان «لباس‌شخصی» در پشت صحنه حضور پیدا کرد تا در جریان ساخت این اثر سیاسی قرار بگیرد. در این بازدید که حبیب والی‌نژاد، تهیه‌کننده و امیرعباس ربیعی، کارگردان «لباس‌شخصی» هم همراه بودند، عطریانفر به ذکر خاطراتی درباره فعالیت‌های گروهک‌های سیاسی مثل منافقین پرداخت و گفت: «بعد از نمایش فیلم «ماجرای نیمروز» به آقای مهدویان، کارگردان، گفتم اگر قبل از ساخت فیلم با من صحبت می‌کردی، حتماً اطلاعات بهتری از «عباس زریباف» به تو می‌دادم، چون عباس را می‌شناختم. همان‌موقع هم که سستگیرش کردند، همسرش با من تماس گرفت و گفت از عباس خبری ندارد و من به سراغ یکی از دوستان رفتم و گفتم اگر عباس را گرفته‌اید به همسرش اطلاع دهید. بعد هم گفتم باید همسرش را هم می‌گرفتید، چون مثل خودش اطلاعات زیادی دارد.»

همچنین عطریانفر نکاتی را درباره حزب توده و رفتار آنها در دهه ۶۰ بیان کرد و نکاتی که بعضی از آنها برگرفته از مشاهدات عینی عطریانفر است که برای تهیه‌کننده و کارگردان هم تازگی و جذابیت داشت.

معاون سیاسی اسبق وزیر کشور درباره فعالیت نفوذی‌ها در دهه ۶۰ گفت: «من جزء اولین نفراتی بودم که وارد سازمان‌های نفوذی و با رحیم صفوی از همان‌موقع رفیق بودم. در ساختمانی که ما در آن فعالیت می‌کردیم هم نفوذی داشتیم. یک روز من با همین نفوذی – که حالا آن زمان نمی‌دانستیم او نفوذی بین ماست– بیرون در کوچه بودم که گفتم فلانی چقدر راحت می‌شود از اینجا با آربی‌چی ساختمان را زد. درواقع احساس نگرانی داشتم که ما خیلی در دسترس بودیم برای عملیات‌های ضدانقلاب! چند هفته بعد دقیقاً از همان نقطه ساختمان ما را زدند و بعدش فهمیدیم خود این آقا نفوذی بوده و گرا داده که ساختمان سپاه را بزنند.»

امیرعباس ربیعی، کارگردان، هم درباره روند پژوهش و تولید فیلم توضیحاتی داد مبنی‌بر اینکه طی سه سال با تیمش روی موضوع «حزب توده» مطالعه می‌کنند و تلاش کرده است که در بستر واقعیت و عمل این حزب یک داستان دراماتیزه‌شده و جذاب را خلق کند. عطریانفر نیز عنوان کرد: «ساسا حوادث و وقایع تاریخی ظرفیت بالایی برای تبدیل به درام‌شدن دارند. در سال‌های اخیر هم شاهد فیلم‌های خوبی بودیم که ریشه در اتفاقات واقعی دارند.»

نامه سرگشاده مدیران جشنواره بین‌المللی وارش به استاندار مازندران

منتظر تحقق وعده‌هایتان هستیم

● **گروه هنر:** مدیران جشنواره فیلم «وارش» در نامه‌ای سرگشاده به استاندار مازندران، نسبت به عمل‌نکردن مسئولان به وعده‌هایشان درباره این رویداد سینمایی اعتراض کردند.

به گزارش روابط عمومی نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم وارش، مدیران این رویداد فرهنگی و هنری، با ارسال نامه‌ای به احمد حسین‌زادگان، استاندار مازندران که متن آن در اختیار رسانه‌ها نیز قرار گرفته، نسبت به تحقق‌نیافتن وعده‌ها اعتراض کرده و خواستار پاسخ‌گویی و بایستگی به وعده‌های مسئولان درباره حمایت‌ها از جشنواره «وارش» شدند. در بخش انتقاداتی درخواست شده است: «جناب آقای استاندار! از شما به‌عنوان مدیر عالی استان و چهره‌ای فرهنگی انتظار می‌رود در کوتاه‌ترین زمان تمهیدات لازم را برای پرداخت معوقات، در شکلی عملی و اجرایی فراهم کنید.

نگذاریم طراوت وارش، در سایه سیاست‌زدگی و بی‌مهری، مکدر شود. به امید سربلندی فرهنگ و هنر تبرستان». نامه ارسالی به احمد حسین‌زادگان، استاندار مازندران، به امضای مهدی قربانپور دبیر نهمین جشنواره بین‌المللی وارش، الهه نوبخت مدیر بین‌الملل، عباس ابوالحسنی مدیر آیین‌ها، سیدرضا صائمی، مدیر کارگاه‌ها و نشست‌های تخصصی، حامد بارثی‌طبری مدیر هنری، مرتضی رنجبران مدیر روابط عمومی، مرتضی کاظمی‌نیا مدیر دبیرخانه، رضا الماسی مدیر فنی و نمایش، جواد صاحبیان، مدیر تبلیغات، محسن جان‌بابایی مدیر کاخ جشنواره، حسن طنبانی مدیر فناوری اطلاعات و میکائیل حقانی، مدیر داوطلبان، رسیده است.